



دموکراسی در اعماق کارکرد NGO ها در خاور میانه

● ترجمه و تلخیص: خضر نصر الهی آذر

جان کوهن و آراتو در اثر سازنده خود با عنوان «جامعه مدنی و اندیشه سیاسی» جامعه مدنی را در حکم «...حوزه کنش متقابل اجتماعی میان اقتصاد و دولت، آمیزه‌ای از حوزه خصوصی (به ویژه خانواده)، حوزه انجمن‌ها (مخصوصاً انجمن‌های داوطلبانه مانند NGOها)، جنبش‌های اجتماعی و اشکال روابط عمومی تعریف می‌کنند.» از نظر آنها نباید زیر لوای دموکراسی‌های لیبرال، جامعه مدنی را در ضدیت با اقتصاد و دولت تعریف کنیم.

مصطفی ک. السید از دانشگاه قاهره معتقد است که پیدایش جامعه مدنی منوط به برآورده ساختن سه شرط زیر است: ۱- وجود انواع متعدد سازمان‌های رسمی در میان گروه‌ها و طبقات اجتماعی مختلف

۲- اخلاق تساهل و پذیرش حقوق مشروع اقلیت از سوی اکثریت بدون توجه به اینکه چنین اقلیت‌هایی چگونه تعریف می‌شوند.

۳- ایجاد محدودیت بر اعمال خودسرانه دولت.

هر دو تعریف فوق در رابطه با سازمان‌های غیردولتی در این نظر مشترکند که این سازمان‌ها ممکن است بدون توجه به وجود جامعه مدنی، موجود باشند و اینکه لازم است دولت نه بیش از اندازه و نه در حد خیلی کمی جامعه مدنی را کنترل کند چون گرچه یک نظم کاملاً دموکراتیک را نمی‌توان از طریق قدرت دولت ایجاد کرد اما در نبود قدرت دولت نیز امکان پیدایش آن وجود ندارد. سازمان‌های غیردولتی عناصر با اهمیت جامعه مدنی هستند که مسایلی مانند احترام به حقوق بشر، مسایل جمعیتی و جمعیت‌شناختی، محیط زیست و حقوق مدنی را در مرکز توجه خود قرار می‌دهند. همچنین آنها به جامعه در کلیت آن یاری می‌رسانند؛ نخست اینکه ابزارهای مهمی برای بیان نیازهای عمومی هستند و نقش مهمی در توسعه اجتماعی و اقتصادی ایفا می‌کنند، دوم اینکه آنها مکان‌هایی برای پرورش قابلیت رهبری افراد نه تنها برای جامعه مدنی که برای حوزه‌های سیاسی و اقتصادی نیز هستند، سوم اینکه به گسترش و دوام دموکراسی کمک می‌کنند.

سازمان‌های غیردولتی در خاور میانه

قرن بیستم به ویژه سه چهار دهه پایانی آن رشد سریع جامعه مدنی به ویژه سازمان‌های غیردولتی را شاهد بوده است. محیطی که سازمان‌های غیردولتی و دیگر عناصر جامعه مدنی هر یک از کشورها در آن فعالیت می‌کردند کاملاً متفاوت از هم بود و بنابراین تجربیات آنها نیز با هم تفاوت داشت. برای اینکه دامنه این بررسی را کوتاه‌تر

سازمان‌های غیردولتی عناصر با اهمیت جامعه مدنی هستند که مسایلی مانند احترام به حقوق بشر مسایل جمعیتی و جمعیت شناختی محیط زیست و حقوق مدنی را در مرکز توجه خود قرار می‌دهند.

کرده باشیم تنها وضعیت سازمان‌های غیردولتی را در مصر، اسرائیل، اردن، لبنان، فلسطین (کرانه باختری و غزه) و سوریه توصیف موسسات خیریه، گروه‌های مذهبی، انجمن‌های حرفه‌ای و مراکز فرهنگی و انجمن‌های حمایتی است. که سر به هزاران می‌زند اما دولت همیشه در پی کنترل آنها بوده است. قانون مربوط به NGO ها در مصر دست و پاگیرترین قانون در جهان است این قانون به دولت امکان می‌دهد تا هر زمان که اراده کند سازمان‌های غیردولتی را به تمام و کمال کنترل یا از دور خارج کند. علت اصلی چنین جهت‌گیری‌ای از طرف دولت این است که سازمان غیردولتی یک رویکرد مذهبی و سیاسی را دنبال می‌کند که خوشایند دولت نیست. بنیادگراها، چپ‌گراها و منتقدان لیبرال رژیم، آماج همیشگی حملات رژیم بوده‌اند. مصطفی کمال السید معتقد است که پیش نیازهای جامعه مدنی در مصر وجود ندارد. در سوریه NGO ها دست و بالشان حتی از مصر هم بسته‌تر است و در واقع آنها در تعریف استاندارد سازمان‌های غیردولتی به منزله بخشی از جامعه مدنی نمی‌گنجد. اسرائیل، اردن و لبنان نیز جوامع مدنی مشابه اما هر کدام خصوصیات منحصر به فردی دارند. صهیونیست‌ها در اوایل قرن بیستم تعداد زیادی سازمان غیردولتی تاسیس کردند که برخی از آنها در اوایل دهه ۴۰ به ارگان‌های دولت اسرائیل تبدیل شدند. گفته شده است که اسرائیل به پشتوانه کمیونیتیسم (نوعی از شرکت‌های تعاونی خاص اسرائیل) بنیانگذاری شد.

دولت اسرائیل بعد از استقلال نسبت به NGO ها رواداری زیادی نشان داده و غالباً از طریق آنها به ارایه خدمات پرداخته است. در اردن طیف گسترده و متنوعی از NGO ها در یک جامعه مدنی پرشور و پویا مشارکت دارند و در دو دهه گذشته رشدی تصاعدی داشته‌اند. دولت اغلب از رهگذر در اختیار نهادن کارمندی یا تامین مالی NGO ها پای خود را در آنها به مداخله می‌اندازد. تعدادی از NGO ها ارتباط تنگاتنگی با دربار سلطنتی هاشمی دارند و بالا سر آنها ممکن است شاهزاده یا شاهزاده خانمی باشد و حتی ممکن است از خزانه سلطنتی نیز بودجه بگیرند. برخی دیگر از NGO های اردن در مواجهه محدود با حکومت قرار دارند مانند سندیکا‌های حرفه‌ای گوناگون و محافظه کاران مذهبی، که گروه اخیر مواضع فعالی را در هر دو حیطه داخلی و منطقه‌ای در مخالفت با سیاست‌های حکومت اردن در پیش گرفته‌اند. سازمان‌های غیردولتی لبنان در یک فضای واقعی اقتصادی فعالیت می‌کنند. بسیاری از آنها وابسته به یکی از فرقه‌های مذهبی لبنان هستند و به علت ضعف مژمن دولت و تمایل آشکار مردم لبنان به خدمات اجتماعی به احتمال زیاد NGO های لبنان همچنان به سیطره خود به بخش‌های



آموزشی، بهداشتی و رفاهی ادامه خواهند داد. سازمان‌های غیردولتی فلسطین از قهرمانان دوران اشغال نظامی و انتفاضه نخست (۱۹۸۷-۱۹۹۲) هستند. بعد از ۱۹۶۷ NGOهای فلسطین چند برابر شده و نقش حیاتی و بااهمیتی در ارائه خدمات بنیادی و نیز تاسیس مکان‌هایی ایفا کردند. البته در این میان حکومت اسرائیل محدودیت‌های زیادی برای فعالیت آنها ایجاد کرده و در نخستین سال‌های انتفاضه اول حتی کمیته‌های مردمی (نوعی NGO) را نیز غیر قانونی اعلام کرد. از بعدی دیگر بسیاری از NGOهای فلسطین روابط مستحکمی با گروه‌های خارج دارند، آنها کمک‌های مالی و فنی از اردن و سایر

کشورهای عرب و NGOها دریافت می‌کنند. در دوره بعد از موافقتنامه اسلو در سال ۱۹۹۳ رابطه بین دولت فلسطین و NGOها وضعیت تنش‌زا داشته است. دولت فلسطین خط مشی مصر و سوریه را نسبت به NGOها در پیش گرفت. اما در کل شیوه سرکوب‌گرانه‌ای نسبت به آنها نداشته است. در مباحثات طولانی و تند بر سر انتخاب قانون محدودکننده مصر یا قوانین لیبرال مورد اخیر با تغییراتی توسط مجلس قانونگذاری فلسطین اقتباس و به امضای یاسر عرفات رسید. به طور کلی؛ NGOهایی که رویاروی دولت فلسطین قرار می‌گیرند NGOهای مذهبی مانند حماس هستند که تفکرات سیاسی بنیادگرایی دارند. به مانند دوران پیش از تاسیس دولت فلسطین، NGOهای فلسطین روابط مستحکمی با اهداکنندگان کمک‌های بین‌المللی دارند.

تاثیر NGOها بر عرصه سیاست

در حال حاضر در برخی کشورها NGO توانایی تاثیرگذاری بر سیاست خارجی را دارند در حالی که در بقیه کشورها مانند سوریه، عراق (قبل از سقوط رژیم صدام) و عربستان سعودی این تاثیرگذاری یا وجود ندارد یا در کمترین حد خود است. در کشور اردن در حالی که دولت از مخالفت NGOها با سیاست عادی سازی روابط با اسرائیل خرسند نیست اما به اندازه کافی قدرت مقابله با آنها را ندارد. مثلاً زمانی که دولت

ابوراغب نسبت به نقض آزادی‌های مدنی به سندیکاها هشدار داد بعد از آنکه سندیکاها لیست سیاهی از بازیگران سیاست عادی سازی روابط با اسرائیل منتشر کردند از موضع خود عقب نشینی کرد.

در مصر اگر چه پیمان صلح با اسرائیل بخش جدایی ناپذیر سیاست خارجی آن دولت

قرن بیستم به ویژه سه چهارم دهه پایانی آن رشد سریع جامعه مدنی به ویژه سازمان‌های غیردولتی را شاهد بوده است.

است اما به دلیل مخالفت NGOها با سیاست عادی سازی دو کشور در یک وضعیت



«صلح سرد» بسر می برند. البته در مصر، در مقایسه با اردن، سازمان های غیردولتی به دو دلیل تاثیر کمتری بر سیاست خارجی گذاشته اند به خاطر این که NGO های مصری کانون توجه شان را کاملاً معطوف به مسایلی نظیر نقش اسلام، مسایل زنان و حقوق مدنی کرده اند. حال آنکه NGO های بین المللی اهداف متعددی را در عرصه جهانی و میان ملت ها دنبال می کنند که به طور خلاصه به آنها اشاره می کنیم:

- پاسخ انسان دوستانه به نیازهای بشری.
- دموکراسی کردن.
- مذهب: خاستگاه آنها در غرب یا شرق باشد موضوع اصلی یک دستور کار مذهبی است؟
- ایدئولوژی چپ گرا. این سازمان ها به طور کلی تنها با NGO های محلی متمایل به چپ؛ همکاری می کنند.
- آلترناتیوی برای رادیکال ها: NGO های بین المللی با آن دسته از NGO های محلی پیوند دارند که فاقد گرایش افراطی مانند ایدئولوژی های اسلام گرایی یا چپ افراطی باشند.
- پیوند ملت ها.

پرتال جامع علوم انسانی

فرجام

سازمان های غیردولتی بنا به ماهیت صرف خود بیشتر بر موضوعات داخلی تمرکز دارند اما در بعضی شرایط نقش بین المللی نیز اختیار می کنند. در نبود ابزارهای دیگر برای تاثیر گذاری بر سیاست های بین المللی دولت، مردم و رهبران شان از سازمان های در دسترس و در این مورد از سازمان غیردولتی استفاده می کنند تا بر سیاست تاثیر بگذارند. به همین ترتیب اهداکنندگان بین المللی بودجه، افراد و دولت ها در جست و جوی واحدهای خارج از کنترل دولت هستند تا از طریق آنها بتوانند شرایط و تفکرات محلی را اصلاح کرده یا بر آنها تاثیر بگذارند. نظر به رشد سازمان های غیردولتی در چند دهه گذشته و نیاز همیشگی مردم برای بهبود سرنوشت خود، بدیهی است که این گرایشات تداوم خواهند داشت.